



- بهتر است در ابتدا با بیوگرافی حضرت تعالی گفتگو را آغاز کنیم.

به نام خدا من دکتر عباس علی بخشی هستم. در سال ۱۳۵۲ در تهران متولد شدم. تحصیلات ابتدایی تا متوسطه را در شهرستان خمین گذراندم. در سال ۱۳۷۱ در دانشگاه شهید بهشتی در رشته‌ی پزشکی عمومی پذیرفته شدم و تا سال ۱۳۷۸ دوره‌ی پزشکی عمومی را گذراندم و سپس دوران جراحی را در دانشگاه تهران، بیمارستان امام خمینی در سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۴ گذراندم. بعد از آن دوره‌هایی را در زمینه کنسر در آمریکا و فرانسه گذراندم و هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران شدم و در حال حاضر در بیمارستان امام خمینی مشغول به انجام خدمت هستم.

- چرا رشته پزشکی را برای تحصیل انتخاب کردید؟

علاقه‌ی من به رشته پزشکی از دوران کودکی بود و خصوصاً به رشته‌ی جراحی همیشه علاقمند بودم. احساس می‌کردم وقتی می‌توانم با جراحی جان یک انسان را نجات دهم، کار بسیار مفیدی انجام می‌دهم و می‌توانم برای جامعه سودمند باشم. برای همین این عشق به پزشکی و جراحی را از سال‌های قبل داشتم و موفق شدم در همین رشته هم پذیرفته شوم و به لطف خدا ادامه دهم.

- آقای دکتر تعریف شما از پزشکی چیست و جنبه‌های وظایف یک پزشک را چه چیزهایی می‌دانید؟

به نظر من ارتباط بین پزشک و بیمار قبل از آنکه به بیماری بیمار مرتبط شود یک رابطه‌ی انسانی بین دو انسان است و خیلی مهم است که پزشک به عنوان یک انسان عالی قدر به بیمارش نگاه کند و اگر این نگاه را داشته باشد و مثل عزیز خودش به بیمارش نگاه کند، به نظر من خیلی از مسائل قابل حل خواهد بود.

- از دیدگاه شما تاثیر ارتباط مهر بانانه میان بیماران و پزشکان تا چه حد در سرعت درمان اثر دارد؟

همیشه سعی کردم که به بیماران خودم مثل عزیزان خودم نگاه کنم و بهترین تصمیمی که برای عزیز خودم بگیرم برای بیمارم هم بگیرم، و اگر موفق شده باشم که این کار را انجام دهم، مطمئناً بیمار به من خیلی اعتماد کرده و سیر درمانی خودش را پیش من انجام داده و نتایج خیلی خوبی هم گرفته است. اگر جایی نتوانسته باشم که این حس را به بیمارم القا کنم قاعدتاً او هم نمی‌تواند خیلی خوب به من اعتماد کند و بی‌شک این در سیر درمان او تاثیر خواهد داشت.

- دغدغه‌های یک پزشک چه مواردی می‌تواند باشد؟

پزشکی رشته‌ی خیلی مشکلی است، استرس خیلی زیادی دارد و وقت پزشک کلاً برای خودش نیست و برای بیمارانش است. در واقع پزشک نباید دغدغه‌ای جز درمان بیمارانش داشته باشد، اگر پزشک دغدغه‌های مادی داشته باشد مطمئناً در روند طبابتش اثر می‌گذارد و مطمئناً در کارش خیلی موفق نخواهد بود. به نظر من جامعه باید شرایطی برای پزشکان فراهم کند که پزشکان بتوانند بدون استرس، آرامش خوب، درآمد مکفی و یک زندگی قابل قبول در سطح اجتماع طبابتشان را انجام دهند. از طرفی خود پزشک هم نباید دغدغه‌اش، دغدغه‌های مادی باشد. البته خدا رو شکر در جامعه پزشکی بیشتر پزشکان اینطور فکر نمی‌کنند و اغلب جزء خدمتگزارترین اقشار جامعه هستند.

- توصیه‌ای برای دیگران؟

به نظر من پزشک باید دو اصل را در کار طبابت خودش انجام دهد تا بتواند موفق شود. یک باید اخلاق محور باشد و دو باید علم محور باشد. اگر بتواند این دو را در کنار هم داشته باشد، و در مورد بیمارش به خوبی انجام دهد، مطمئناً موفق خواهد بود.